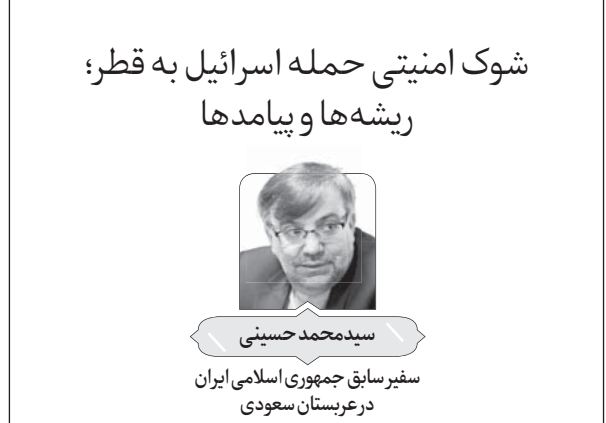


یادداشت



حمله اسرائیل به قطر با هدف ترور رهبران حماس، شوک امنیتی بزرگی به کشورهای منطقه و به‌ویژه شورای همکاری خلیج فارس بود. این حادثه تأثیر بسزایی بر کنش‌های امنیتی آینده کشورهای منطقه غرب آسیا و به‌ویژه اعضای شورای همکاری خلیج فارس خواهد داشت که موضوع بحث این نوشتار است. حادثه هفتم اکتبر ۲۰۲۳ که باید آن را نقطه‌عطفی در نظم منطقه‌ای غرب آسیا دانست، بسیاری از روندهای امنیتی و سیاسی این منطقه را دچار ضعف و حتی قطع کرده است. حالا حمله اسرائیل به قطر سرمشآر روندهای جدید امنیتی در منطقه خواهد بود که به تدریج ظاهر می‌شوند. شورای همکاری خلیج فارس در سال ۱۹۸۱ با هدف ایجاد اتحادیه‌ای سیاسی، امنیتی و اقتصادی میان کشورهای جنوبی خلیج فارس تشکیل شد، اما کیست که نداند انگیزه اصلی تشکیل این اتحادیه هراس از انقلاب اسلامی ایران و ادراک تهدید از ایران نزد رهبران کشورهای عربی حوزه خلیج فارس بود. عربستان، بحرین، کویت، عمان، قطر و امارات، شش عضو این شورا را تشکیل می‌دهند، اما از همان ابتدا دولت عربستان به صورت ناواشته نقش سیادت و رهبری این شورا را بر عهده داشت. این هم‌گرایی از سوی انگلستان- پدروخوانده شیخ‌نشینان خلیج فارس- و آمریکا حمایت می‌شد و اکنون نیز می‌شود. راهبرد عمومی مشترک میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس «نفت در برابر امنیت» بود. این راهبرد هنوز توسط کویت و بحرین پابرجاست، اما عربستان، امارات، قطر و تا حدودی عمان از سال ۲۰۱۰ تلاش کرده‌اند از اتکای کشورشان به نفت بکاهند و با سهیم‌شدن در شبکه تجاری و مالی بین‌المللی، راهبرد عمومی خود را به «توسعه در برابر امنیت» تغییر دهند و همچنین با تنوع‌بخشی به روابط خارجی خود و درون‌گذاری منافع چین، کشورهای اروپایی و روسیه، به تدریج از وابستگی امنیتی خود به آمریکا نیز بکاهند. اتحادیه اروپا در این میان نگاهی ویژه به خلیج فارس دارد. در سال ۲۰۲۲، اتحادیه اروپا قراردادی استراتژیک با شورای همکاری خلیج فارس در حوزه مسائل اقتصادی، انرژی و همچنین در زمینه ترانزیت‌های امنیتی مشترک همچون امنیت دریایی، مبارزه با تروریسم و امنیت سایبری به امضا رساند. فرصت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری نیز محرک تعامل اروپا با خلیج فارس بود. اتحادیه اروپا بعد از چین دومین شریک تجاری مهم شورای همکاری خلیج فارس است و در سال ۲۰۲۴ تقریباً یک‌پنجم کل واردات کشورهای عضو این شورا از کشورهای عضو اتحادیه اروپا صورت گرفته و حجم روابط دو طرف از مرز ۱۵۰ میلیارد یورو گذشته است. در سال‌های اخیر اهمیت روابط انرژی با کشورهای خلیج فارس نیز برای اروپا افزایش یافته است. حمله روسیه به اوکراین ازجمله از منظر تحریم‌های گسترده علیه روسیه، اروپا را مجبور به افزایش واردات نفت و گاز از منطقه خلیج فارس کرده است.

در میان کشورهای اروپایی، انگلستان که خود را پدروخوانده کشورهای جنوبی خلیج فارس می‌داند، روابط خاص‌تری با شورای همکاری خلیج فارس دارد. کشورهای ژرمنده شورای همکاری خلیج فارس، مقصد مهمی برای فروش تسلیحات نظامی بریتانیا به شمار می‌روند. برگزیت باعث شد انگلستان از بند محدودیت‌های حقوق‌پیش‌ری اتحادیه اروپا خارج شود. بنابراین روابط فی‌مابین در زمینه‌های تجاری، نظامی و اقتصادی بین انگلستان و کشورهای حوزه خلیج فارس رو به افزایش است. شش پادشاهی خلیج فارس در مجموع چهارمین بازار بزرگ صادراتی بریتانیا را تشکیل می‌هند و همچنین شرکای مهمی برای امنیت انرژی بریتانیا و منابع اصلی سرمایه‌گذاری در املاک و مستغلات بریتانیا هستند. خلیج فارس برای منافع ملی بریتانیا در سند «بازخوانی بررسی یکپارچه سال ۲۰۲۳»، مورد تأکید قرار گرفت و دولت بریتانیا تعهد خود را به تعمیق و تقویت بیشتر روابط با شرکای خلیج فارس اعلام کرد. این سند همچنین خاورمیانه را به‌عنوان منطقه‌ای شناخت که در آن رقابت قابل توجهی برای نفوذ در سبستر تغییرات ژئوپلیتیک گسترده‌تر وجود دارد و خلیج فارس را به‌عنوان منطقه‌ای معرفی می‌کند که در آن بریتانیا و سایر متحدان ایالات متحده نیازمند تقویت مشارکت جمعی در تقسیم بار هستند. شورای همکاری خلیج فارس در راستای راهبرد عمومی «نفت‌توسعه در برابر امنیت»، سیستم دفاعی یکپارچه کشورهای خلیجی» را نیز بنیان نهاد. سیستم دفاعی یکپارچه با سرمایه‌گذاری مشترک کشورهای عضو و خرید گسترده تجهیزات دفاعی از کشورهای عمداً غربی، درصدد افزایش بازدارندگی شورای همکاری در برابر تهدیدات خارجی بنیان گذاشته شد. در سطح فنی، این امر اشتراک‌گذاری فناوری‌های نوظهور، از بهیادها گرفته تا هوش مصنوعی را تقویت می‌کند و به کشورهای شورای همکاری خلیج فارس اجازه می‌دهد تا ابزار نظامی خود را ارتقا دهند. در سال‌های اخیر بخش‌های امنیتی کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس در حال تغییر به سمت قابلیت‌ها و خودمختاری بیشتر است و بستری ظریف اما مهم را برای چین، روسیه و کشورهای آسیایی برای مشارکت در امنیت این کشورها فراهم کرده است. البته با توجه به اتکای اعضای شورای همکاری خلیج فارس در حوزه دفاعی و امنیتی به چتر دفاعی ایالات متحده، همچنین به تجهیزات، آموزش و دکترین ایالات متحده برای ارتش خود، بعید است که کشورهای شورای همکاری خلیج فارس به میل خود از این رابطه راهبردی دوری گزینند. بااین‌حال، روندهای جدید در سیاست دفاعی این کشورها به این معناست که آنها با تنوع‌بخشی در روابط با قدرت‌های بزرگ و نوظهور در تلاش برای کاهش وابستگی امنیتی خود به آمریکا هستند؛ با این توضیح که کویت و بحرین دارای محدودترین قابلیت‌های نظامی در میان کشورهای شورای همکاری خلیج فارس هستند و حفاظت از ایالات متحده را برای امنیت خود حیاتی می‌دانند. رژیم‌های امنیتی ایجادشده در شورای همکاری خلیج فارس که به برخی از آنها اشاره شد، با حمله اسرائیل به قطر «ناکارآمدی و کج‌کارکردی» خود را نشان داد. بی‌عملی شورای همکاری خلیج فارس در قبال این تجاوز آشکار، تأیید ضمنی این تجاوز توسط ترامپ و حمایت لفظی انگلستان و فرانسه از قطر، کلیت واکنش‌ها در برابر اسرائیل بود. حمله اسرائیل اگرچه به زعم خود حمله به مقر رهبران حماس بود، اما زنگ خطر امنیت کشورهای خلیج فارس را به صدا درآورد. حمله اسرائیل به قطر دارای پیامدهای امنیتی زیر در آینده‌ای نزدیک خواهد بود:

- این تجاوز آشکار به کشورهای عربی ثابت کرد وابستگی امنیتی به آمریکا و سایر کشورها برای آنها امنیت ایجاد نمی‌کند.
- به کشورهای عربی ثابت کرد آمریکا در انتخاب میان اسرائیل و کشورهای عربی بدون تردید در کنار رژیم اسرائیل خواهد ایستاد.
- رهبران عربی دریافتند توسعه و نفت به‌تنهایی امنیت نمی‌آورد؛ امنیت صرفاً کالای خریدنی نیست.
- نشان داد صهیونیست‌ها بالذات خوی تجاوزگری و توسعه‌طلبی دارند و در این مسیر همه هنجارها و قواعد حقوق بین‌الملل را زیر پا می‌گذارند بدون آنکه از ناحیه نهادهای بین‌المللی مجازات شوند.

«شرق» از سفر رئیس‌جمهور و وزیر امور خارجه برای شرکت در نشست دوحه گزارش می‌دهد

فرصت‌سازی تهران از بحران قطر

تاکید کردند. این دیدارها نشان‌دهنده اهمیت دیپلماسی مستقیم تهران با کشورهای کلیدی منطقه برای ایجاد جبهه‌ای متحد علیه تجاوزات اسرائیل است.

دیدارها و رایزنی‌های عراقی

یک روز پیش از سفر مسعود پزشکیان، عباس عراقچی وارد دوحه شد تا در نشست وزرای امور خارجه کشورهای عربی و اسلامی شرکت کند. عراقچی در نخستین دیدار خود با «محمد بن عبدالرحمن آل‌ثانی»، نخست‌وزیر و وزیر امور خارجه قطر، بر همبستگی ایران با قطر در پی حمله اسرائیل تأکید و درباره تقویت همکاری‌های منطقه‌ای گفت‌وگو کرد. در ادامه، وزیر امور خارجه ایران با همتایان خود از لبنان، پاکستان، سومالی، مصر و عراق دیدار و درباره روابط دوجانبه و تحولات منطقه‌ای بحث و تبادل نظر کرد. محور این مذاکرات، مقابله با نسل‌کشی در فلسطین، توقف تجاوزات اسرائیل و نقش جامعه جهانی در اعمال فشار علیه تل‌آویو بود. شایان ذکر است که فؤاد حسین، وزیر خارجه عراق، در رایزنی خود با عراقچی، ابتکاری برای برگزاری نشست مشترک ایران، عراق و کشورهای شورای همکاری خلیج فارس در حاشیه مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک مطرح کرد تا هماهنگی و گفت‌وگوی منطقه‌ای تقویت شود. گفتنی است عباس عراقچی هم در جریان سفرش به قطر، در صفحه رسمی خود در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «من در دوحه هستم با پیامی روشن از طرف مردم ایران؛ ایران در کنار قطر و در حقیقت در کنار تمامی برادران و خواهران مسلمان ایستاده است، به‌ویژه در مقابله با بلایی که کل منطقه را تهدید می‌کند».

برگزاری نشست وزرای خارجه کشورهای عربی و اسلامی

براساس برنامه‌ریزی‌های صورت‌گرفته، نشست وزرای خارجه کشورهای عربی و اسلامی روز یکشنبه در دوحه برگزار شد و شرکت‌کنندگان تأکید کردند که امنیت قطر «بخش جدایی‌ناپذیر از امنیت ملی کشورهای عربی و اسلامی» است. در جلسه غیرعلنی این نشست، وزرا حمله اسرائیل به قطر را نقض قوانین بین‌المللی دانستند و اعلام کردند که این اقدام، امنیت و ثبات منطقه‌ای و بین‌المللی را تهدید می‌کند. سخنگوی وزارت خارجه قطر اعلام کرد که برگزاری این اجلاس نشان‌دهنده همبستگی گسترده کشورهای عربی و اسلامی با قطر و رد تروریسم دولتی اسرائیل

پزشکیان: رژیم صهیونیستی علیه حاکمیت، کرامت و آینده ما اعلان جنگ کرده است

رئیس‌جمهور با تأکید بر اینکه حمله به دوحه نشانه قدرت نبود، بلکه از سر ناامیدی و استیصال بود، گفت: رژیمی که به موقعیت خود اطمینان دارد، نیازی به بمباران مذاکره‌کنندگان ندارد. شما از هر خط قرمزی عبور کرده‌اید، هر منطق و قانونی را نادیده گرفته‌اید و بر اصل رفتار متدنه‌انه را نقض کرده‌اید، اما ناخواسته کار مهم دیگری هم کرده‌اید: اراده جمعی امت اسلامی را بیدار کردید. مسعود پزشکیان بعدازظهر دیروز در نشست اضطراری سران کشورهای اسلامی و اتحادیه عرب که به منظور اتخاذ موضع واحد در برابر جنایات رژیم صهیونیستی در دوحه قطر در حال برگزاری است، اظهار کرد: رژیم صهیونیستی علیه حاکمیت، کرامت و آینده ما اعلان جنگ کرده است. در پاسخ اعلام می‌کنیم ما مرعوب نخواهیم شد، متفرق نخواهیم شد و سباک نخواهیم ماند. از خاکستر غزه، عدالت برخواهد خاست. از آوار ساختمان‌های تخریب‌شده در دوحه، بیروت، تهران، دمشق و صنعاء، نمطی نو پدیدار خواهد شد؛ نمطی نه مبتنی بر ریاکاری بلکه بر وحدت اسلامی، نه بر برتری‌جویی صهیونیستی بلکه بر برابری انسانی. رئیس‌جمهور در ابتدای سخنان خود اظهار کرد: تجاوز گستاخانه ۹ سپتامبر ۲۰۲۵ به قطر، حمله‌ای از پیش برنامه‌ریزی‌شده توسط رژیم صهیونیستی بود که با هدف از بین بردن تلاش‌های دیپلماتیک برای پایان‌دادن به نسل‌کشی در غزه انجام شد. این تجاوز به دیپلماسی بیش از هر جنایت داخلی است؛ یک اعلان علنی و بی‌شرمانه است که اکنون قدرت نظامی و نه قانون، تعیین‌کننده است. متأسفانه تروریست‌های حاکم بر تل‌آویو، با مصونیتی که پس از خیانتی مشابه به دیپلماسی در ژوئن ۲۰۲۵ و با آغاز جنگ تجاوزکارانه علیه مردم کشور من احساس کردند، جری‌تر شده‌اند. نیس‌جمهور افزود: حمله به دوحه، بسیاری از معادلات و تفکرات اشتباه را دگرگون کرد و نشان داد که هیچ کشور عربی یا مسلمانی از تجاوز رژیم تل‌آویو در امان نیست. فردا می‌تواند نوبت هر یک از پایتخت‌های عربی و اسلامی باشد. انتخاب روش است؛ باید با هم متحد شویم، رسول خدا(ص) از فتح مکه سخنرانی فرمودند و اعلام کردند: انما المسلمون اخوة، المسلم أخ المسلم و هم یّد واحد علی من سواه.

است. همچنین دبیرکل اتحادیه عرب گفت اجلاس پیام همبستگی کامل با قطر را در مواجهه با حمله اسرائیل منتقل می‌کند. بیانیه پایانی این نشست در حاشیه اجلاس سران بررسی شد و قرار است نتایج آن از طریق کنفرانس مطبوعاتی اعلام شود.

پیش‌نویس نشست دوحه و انتقادهای آن

نشست دوحه اگرچه قطر را به محور دیپلماسی منطقه در روزهای اخیر بدل کرد، اما به نظر می‌رسد قطری‌ها بتأسیل چندانی برای تقابل در برابر تجاوزات اسرائیل از خود نشان نداده‌اند. در همین زمینه، پیش‌نویس نشست سران عربی و اسلامی که دوشنبه در دوحه منتشر شد، حمله اسرائیل به قطر را تهدیدی برای روند عادی‌سازی روابط میان تل‌آویو و کشورهای عربی دانسته و تأکید کرده است که اقدامات اسرائیل، ازجمله نسل‌کشی، محاصره و شهرسازی، چشم‌انداز صلح و همزیستی در منطقه را به خطر می‌اندازد. این پیش‌نویس همچنین بر پایبندی کشورها به حاکمیت، استقلال و امنیت اعضای اتحادیه عرب و سازمان همکاری اسلامی تأکید کرده و مخالفت قاطع خود را با تهدیدهای اسرائیل علیه قطر یا دیگر کشورهای عربی و اسلامی اعلام کرده است. کشورهای عضو، حمایت خود را از تلاش‌های میانجیگرانه، به‌ویژه نقش قطر، مصر و آمریکا برای توقف تجاوزات علیه غزه ابراز کردند. بااین‌حال، پیش‌نویس مصوبه با انتقادهای گسترده‌ای در شبکه‌های اجتماعی مواجه شد. فعالان معتقدند متن منتشرشده، بازتابی از خشم عمومی در برابر حمله اسرائیل نیست و سطح محکومیت آن ضعیف و محافظه‌کارانه است. کاربران تأکید کردند که مردم انتظار اقدامات ملمی و تصمیمات قاطع دارند، نه صرفاً بیانیه‌های کلی. آنها همچنین خاطرنشان کردند که این نوع بیانیه‌ها، تاکنون نتوانسته‌اند مانع اقدامات تجاوزکارانه اسرائیل شوند و از ناکارآمدی لفاظی‌های سنتی در برابر این بحران انتقاد کردند.

نشست دوحه: آغاز فصل جدید با مانور تبلیغاتی؟

پیرو انتقادهای مطرح‌شده، برخی تحلیلگران معتقدند نشست اضطراری دوحه، هرچند با مواضع و شعارهای تند علیه اسرائیل همراه بود، در عمل بعید است به تغییرات بنیادین در روابط کشورهای عربی با تل‌آویو یا حتی واکنشتن منجر شود. تجربه بحران‌های گذشته در منطقه، از جنگ‌های مکرر غزه تا دگربری‌های سوریه، یمن، لبنان و تجاوز به ایران نشان می‌دهد که کشورهای عربی در آغاز بحران‌ها معمولاً مواضع بسیار سخت‌گیرانه و تندی اتخاذ می‌کنند، اما با گذشت زمان و کاهش فشار افکار عمومی، این مواضع به‌تدریج فروکش کرده و روابط دوباره به مسیر عادی بازمی‌گردد. علت اصلی این چرخه رفتاری نیز به شبکه پیچیده منافع اقتصادی، نظامی و امنیتی میان ایالات متحده، اسرائیل و بسیاری از دولت‌های عربی بازمی‌گردد. قراردادهای کلان فروش تسلیحات آمریکایی به کشورهای عربی، همکاری‌های اطلاعاتی مشترک و حتی پروژه‌های بزرگ انرژی و فناوری، به‌گونه‌ای این کشورها را در یک چارچوب به‌هم‌پیوسته قرار داده که امکان فاصله‌گیری کامل از واکنشتن و تل‌آویو را عملاً محدود می‌کند. بسیاری از دولت‌های عربی نگران‌اند که هرگونه گسست رادیکال در روابط، می‌تواند امنیت داخلی و حتی ثبات اقتصادی آنها را به خطر بیندازد. از این منظر، نشست دوحه یک نقطه‌عطف واقعی در سیاست منطقه‌ای. این نشست فرصتی برای دولت‌های عربی فراهم کرد تا ضمن نشان‌دادن خشم و نارضایتی خود از حمله اخیر اسرائیل به قطر، پیام هشدارآمیزی هم به واشگتن فرستند و بر این نکته تأکید کنند که ادامه حمایت بی‌قیدوشرط از اسرائیل می‌تواند فشار افکار عمومی جهان عرب را علیه دولت‌هایشان تشدید کند. بااین‌حال، به باور تحلیلگران، بعید است این هشدارها به تغییرات جدی در ساختار روابط منجر شود؛ روابطی که بیش از حد به منافع اقتصادی و امنیتی درهم‌تنیده وابسته است و گذشت زمان معمولاً به بازگشت آرام اوضاع به وضعیت پیشین منجر می‌شود.

بیانیه طلبکارانه اروپا در روز نایب‌رئسی ایران در آژانس

ایران، اروپا و بحران اعتماد

توافق صرفاً نقطه شروعی دوباره بود، نه پایان نگرانی‌ها.

اروپا: استقبال مشروط. فشار تکراری

بیانیه اتحادیه اروپا در حاشیه اجلاس، تداوم همان سیاست سنتی دوگانه را نشان داد. در ابتدا از توافق قاهره استقبال شد، اما بلافاصله فهرستی از نگرانی‌ها تکرار شد؛ از دسترسی محدود بازرسان تا عدم شفافیت در ذخایر اورانیوم. اروپا تأکید کرد که اجرای توافق باید فوری، کامل و بی‌وقفه باشد؛ بدون هیچ تغییری در چارچوب تعهدات ایران تحت معاهده NPT. برای تهران این مواضع تازگی نداشت. فشارهای غربی در بستر بی‌عملی گذشته، یادآور همان تناقض همیشگی بود: ایران باید پاسخ‌گو باشد، اما طرف مقابل به تعهدات خود پایبند نیست. چنین وضعیتی، به تعبیر مقام‌های ایرانی، نه‌تنها بی‌اعتمادی را عمیق‌تر می‌کند، بلکه انگیزه‌ای برای مقاومت بیشتر نیز فراهم می‌کند.

حملات، بحران امنیت و چالش همکاری

تابستان امسال موجی از حملات هدفمند به تأسیسات هسته‌ای ایران در نظنز، اصفهان و فردو، تهران را در موقعیتی امنیتی قرار داد. این حملات که از سوی ایران به‌عنوان اقدامات متجاوزانه توصیف شدند، نه‌تنها زیرساخت‌های فنی را هدف گرفتند، بلکه به‌طور مستقیم بر رابطه ایران با آژانس اثر گذاشتند. مجلس شورای اسلامی در واکنش به آنچه گزارش‌های جانبدارانه آژانس می‌خواند، همکاری‌ها را متوقف کرد. اگرچه با توافق قاهره بار دیگر مسیر گفت‌وگو گشوده شد، اما خاطره این بی‌اعتمادی همچنان بر رابطه ایران و آژانس سایه انداخته است.

روسیه و نظم غیرغربی در برابر اجماع فشار

در این میان، موضع روسیه یادآور آن بود که در جهان امروز، صداها دیگر یکنواخت نیستند.

یادداشت

زمزمه خطرناک



احمد شیرزاد

این روزها زمزمه‌هایی مبنی بر خروج از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای، موسوم به ان‌پی‌تی، مطرح است. آقای عراقچی هم در یک مصاحبه گفتند: «این هم یک گزینه است، اما تنها گزینه نیست». من به‌عنوان یکی از کوچک‌ترهای این ملت که سال‌هاست فکرم درگیر موضوع هسته‌ای ایران است، نسبت به این تمایل بسیار نگرانم. مثلی قدیمی است که می‌گوید «آن را که حساب پاک است از محاسبه چه باک است». ما بیست و چند سال است که تن به سخت‌ترین بازرسی‌های آژانس داده‌ایم، چون تصمیم گرفتیم فضای جهانی را دچار ایران‌هراسی نکنیم. ما بابت هر سطر از گزارش‌های آژانس که منجر به رفع نگرانی کشورهای بی‌طرف جهان در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران بشود، هزینه‌های بسیار کرده‌ایم. مجموع نفر و ساعت‌هایی که در این باب صرف شده است، سر به آسمان می‌گذارد. خروج از ان‌پی‌تی یعنی: ای جهانیان، همه حرف‌های قبلی ما کشک بوده؛ آری ما دنبال فعالیت صلح‌آمیز نیستیم!

اگر کسی فکر می‌کند که از ان‌پی‌تی خارج می‌شویم اما اعلام می‌کنیم به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم، سخت در اشتباه است. خروج از ان‌پی‌تی در عرف جهانی یک معنا بیشتر ندارد و آن این است که منتظر آزمایش‌های هسته‌ای ما باشید. کشوری را نمی‌شناسیم که از ان‌پی‌تی خارج باشد و دست به تولید سلاح هسته‌ای زده باشد. هند، پاکستان، کره شمالی و رژیم صهیونیستی نمونه‌های بارز این واقعیت هستند (البته در برخی منابع گفته شده که کشور تازه‌تأسیس سودان جنوبی هم عضو ان‌پی‌تی نیست که چندان نتیجه را عوض نمی‌کند). برخی از دوستان و احتمالاً تعدادی از نمایندگان مجلس بر این گمان هستند که خروج از ان‌پی‌تی نوعی قدرت‌نمایی است و می‌توان آن را به‌عنوان ابزاری برای تهدید غربی‌ها به کار برد. عرض می‌کنم که این دوستان سخت در اشتباه هستند. تکرار این تهدید، به‌ویژه از زبان نمایندگان مجلس و آن‌هم اعضای کمیسیون امنیت ملی، پیش از آنکه حکایت از قدرتمندی ما داشته باشد، پیام‌دهنده آن است که ابزار دیگری در دست‌مان نیست.

مشکل از کم‌صبری دوستان است و گرنه به گمان من با صبوری و مقاومت به مرور ابزار قدرت ساخته می‌شود. بی‌اعتنایی به کشورهای اروپایی و کنارگذاشتن آنها از روند تحول سیاسی، به‌تدریج برای آنها هزینه‌های سنگینی را به دنبال خواهد داشت. اروپا اگر سازوکار ماشه را دنبال کند، تقریباً تمام تیرهای ترکش خود را رها کرده است. به باور من اگر ما صبورانه و مقاوم، خود را برای بدترین سناریو آماده کنیم و به راه‌های عملی مقابله با آن فکر کنیم، تأثیر بسیار قوی‌تری خواهد داشت. تهدید به خروج از ان‌پی‌تی حکایت از درماندگی ما دارد و به طرف مقابل چنین القا می‌کند که تیرش به هدف خورده است. من منکر تأثیرات سوء بازگشت قطع‌نامه‌های معلق‌مانده شورای امنیت نیستم. بدون تردید باید به قوای خود را به کار گیریم که تا جای ممکن این داستان اتفاق نیفتد. شاید یک روش برای جلوگیری از این امر، آن باشد که با اعتمادبه‌نفس و خونسردی، مقتدرانه به طرف مقابل نشان دهیم که اقداماتش اولاً ما را از پا در نمی‌آورد و ثانیاً او را از روند تأثیرگذاری سیاسی خارج می‌کند. هرچند ممکن است سبک‌ساز برخی از تهدیدها، اگر به‌طور غیرسرمی مطرح شوند، در برخی از موارد دستاویزی مثبت برای مذاکره‌کنندگان ما باشند، اما در این‌مورد خاص زمزمه خروج از ان‌پی‌تی از طرف مجلس نتیجه خوشایندی را نخواهد داشت. این امر بیش از هر خرداد دیگری دشمنان ما را آماده تعرضی ویرانگر خواهد کرد و فضای سیاسی-تبلیغاتی را برای آنان مساعد می‌کند.